شبی رسول الله صلی الله علیه وسلم نماز عشاء را به تاخیر انداخت؛ پس عمر رضی الله عنه آمده و گفت: ای رسول خدا، وقت نماز است؛ زنان و بچه ها خوابیده اند؛ پس رسول الله صلی الله علیه وسلم درحالی از خانه خارج شد که قطره های آب از سرش می چکید و فرمود: اگر بر امتم سخت نمی بود، آنها را دستور می دادم این نماز را در این ساعت بخوانند.

از عبدالله بن عباس رضی الله عنهما روایت است که شبی رسول الله صلی الله علیه وسلم نماز عشاء را به تاخیر انداخت؛ پس عمر رضی الله عنه آمده و گفت: نماز ای رسول خدا؛ زنان و بچه ها خوابیده اند؛ پس رسول الله صلی الله علیه وسلم درحالی از خانه خارج شد که قطره های آب از سرش می چکید و فرمود: «لَولاَ أن أَشُقَّ عَلَى أُمَّتِي - أو على النَّاس- لَأَمَرتُهُم بهذه الصَّلاة هذه السَّاعَة»: «اگر بر امتم – یا بر مردم - سخت نمی بود، آنها را دستور می دادم این نماز را در این ساعت بخوانند».
[صحیح است] [متفق علیه]

باری رسول الله صلی الله علیه وسلم در خواندن نماز عشاء چنان تاخیر می کند که بخش زیادی از شب سپری شده است و زنان و کودکان به خواب رفته اند؛ کسانی که توان و تحمل انتظار طولانی ندارند؛ پس عمر رضی الله عنه نزد ایشان رفته و می گوید: نماز؛ زنان و کودکان خوابیده اند. بنابراین رسول الله صلی الله علیه وسلم درحالی از خانه به سوی مسجد خارج می شود که در اثر غسل، از سرش آب می چکد؛ و بیان می کند که در مورد نماز عشاء، افضل این است که با تاخیر خوانده شود و اگر کسانی که در انتظار نماز هستند به سختی نمی افتادند و اگر بر امتم سخت نمی بود، آنها را دستور می دادم این نماز را در این وقت بخوانند.

http://www.sunnah.global/hadeeth/fa/show/3537